

تشکیل حکومت ماد

حکومت ماد چگونه به وجود آمد؟

همان‌طور که خواندید «مادها» گروهی از آریایی‌ها بودند. آنان به تدریج در غرب ایران ساکن شدند. در آن زمان برادرها و خواهرها با همسر و فرزندان خود همچنین با پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها همه باهم زندگی می‌کردند و یک خانواده بزرگ را تشکیل می‌دادند. چند خانواده بزرگ یک قبیله را تشکیل می‌دادند. هر قبیله چراگاهی مخصوص دام‌های خود داشت. برای حفاظت این چراگاه‌ها، قبیله‌ها دهکده‌هایی را به وجود آورده بودند. کدخدای یکی از این دهکده‌ها، دی‌اُگو نام داشت. او بیش‌تر وقت خود را به حل اختلافات مردم می‌گذراند. به همین جهت، روزبه روز بیش‌تر مورد توجه مردم قرار می‌گرفت.



در آن زمان، مادها مشکلات بسیاری داشتند. آن‌ها علاوه بر این که همیشه با هم اختلاف داشتند، بیش‌تر اوقات نیز مورد هجوم آشوری‌ها قرار می‌گرفتند. سرانجام، مردم ماد برای جلوگیری از هجوم آشوری‌ها، تصمیم گرفتند اختلاف‌ها را کنار بگذارند و با یک‌دیگر متحد شوند. آنان در محل زندگی دیاکو اجتماع کردند و او را به فرمانروایی خود برگزیدند. دیاکو دهکده‌ی خود را پایتخت قرار داد. از آن پس این دهکده یعنی **هگمتانه**، به تدریج به شهری بزرگ تبدیل شد. هگمتانه در محل شهر همدان امروزی قرار داشت.

حکومت ماد قوی می‌شود

بابلی‌ها، ایلامی‌ها و آشوری‌ها همسایه‌های مادها بودند. مادها به تقلید از همسایه‌های خود، دژهای بزرگی در کوهستان‌ها به وجود آوردند؛ هم‌چنین گرداگرد هگمتانه را دیوار بلندی کشیدند. نتیجه‌ی اتحاد مادها و ساخته شدن دژها این بود که آشوری‌ها دیگر نمی‌توانستند به آسانی به مادها حمله‌ور شوند؛ پارس‌ها و پارت‌ها نیز چون می‌خواستند در برابر دشمنان با یک‌دیگر متحد باشند، حاضر به اطاعت از مادها شدند. به این ترتیب،

دولت ماد بسیار قوی شد و توانست آشوریان را

شکست دهد و پایتخت آن‌ها یعنی نینوا را

صرف کند.

پس از سقوط آشور،

حکومت ماد با کشورهای لیدی و

بابل همسایه شد.



سرباز مادی. سربازان مادی در دوره‌های بعد نیز بخشی از سپاه حکومت‌های ایرانی را تشکیل می‌دادند.



مادها شهر نینوا، پایتخت آشور را محاصره و تصرف کردند. بابلی‌ها نیز که از آشوری‌ها صدمه‌های بسیار دیده بودند، در این کار آنان را یاری کردند.



چرا حکومت ماد ضعیف شد؟

دوران قدرت مادها چندان طول نکشید و آن‌ها پس از مدتی ضعیف شدند. ضعیف شدن حکومت مادها دو دلیل عمده داشت :

اولین دلیل، تجمل‌گرایی و تن‌آسایی پادشاه و سران حکومت ماد بود. دومین دلیل ضعف مادها، نارضایتی دیگر گروه‌های ایرانی به ویژه پارس‌ها از پادشاه ماد بود؛ زیرا پادشاه ماد با آن‌ها که از آن‌ها مالیات می‌گرفت، به کارهای کشور رسیدگی نمی‌کرد. در نتیجه، آن‌ها نیز دیگر حاضر به اطاعت از مادها نبودند. سرانجام درحالی که مادها دچار اختلاف شده بودند، پارس‌ها برضد آن‌ها قیام کردند و با تصرف هگمتانه حکومت ماد را سرنگون ساختند.



سرباز مادی



سرباز مادی با باسلق

پرسش و جست‌وجو

۱. جاهای خالی زیر را با کلمات مناسب کامل کنید :
الف) کدخدای یکی از دهکده‌های ماد نام داشت که بیشتر وقت خود را به حل اختلافات مردم می‌گذراند.
ب) پس از سقوط آشور حکومت ماد با کشورهای و همسایه شد.
ج) پایتخت مادها شهر بود که در محل شهر همدان امروزی قرار داشت.
۲. دو دلیل قدرتمند شدن مادها را بیان کنید.
۳. دلایل ضعیف شدن حکومت ماد کدام‌اند؟

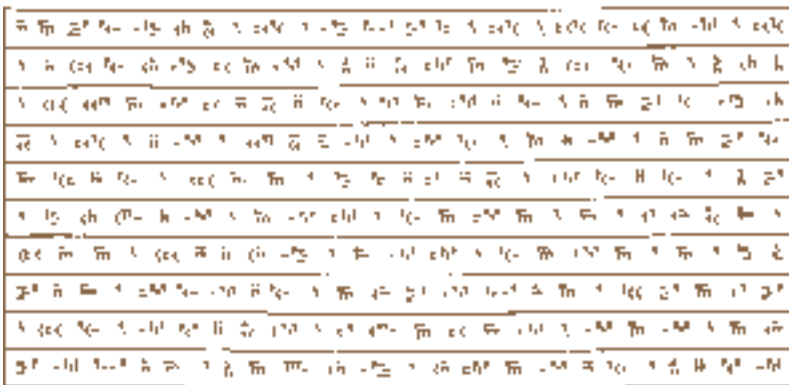
حکومت هخامنشی چگونه به وجود آمد؟

هخامنشیان و قوم پارس

خوانید که گروهی از آریایی‌ها پارس‌ها بودند. سرزمینی را که این گروه در آن ساکن شدند، به نام ایشان، پارس (فارس) نامیده‌اند. پارس‌ها شامل قبیله‌های متعدد بودند. یکی از این قبیله‌ها قبیله‌ی پاسارگاد بود. رئیس این قبیله هخامنش نام داشت. او رئیس همه‌ی قبیله‌های پارسی نیز بود؛ بنابراین، قبیله‌ی هخامنش بزرگ‌ترین قبیله‌ی پارس به‌شمار می‌آمد.

فرزندان هخامنش که یکی پس از دیگری به حکومت پارس رسیدند، قلمرو قبیله‌ی خود را روزبه‌روز گسترش دادند. از جمله شمال خوزستان کنونی را که قبلاً متعلق به ایلامی‌ها بود، تصرف کردند. این کار، پارس‌ها را با پیشرفت‌های ایلامی‌ها و بابلی‌ها آشنا کرد. پارس‌ها بسیاری از فنون کشاورزی و شهرسازی و نوشتن را از آن‌ها فرا گرفتند.

نمونه‌ی خط میخی (دوره‌ی هخامنشی)



متن بالا که بر روی یک قطعه طلا و یک قطعه نقره نوشته شده، در تخت جمشید کشف شده است و در موزه‌ی ملی ایران (تهران) نگهداری می‌شود. در این نوشته داریوش پادشاه معروف هخامنشی ضمن معرفی خود، به سرزمین‌هایی که زیر فرمان او هستند، اشاره می‌کند و حاکمیت خود بر آن‌ها را خواست خدا می‌داند. در درس بعد درباره‌ی دوره‌ی حکومت داریوش مطالب بیش‌تری می‌خوانید.

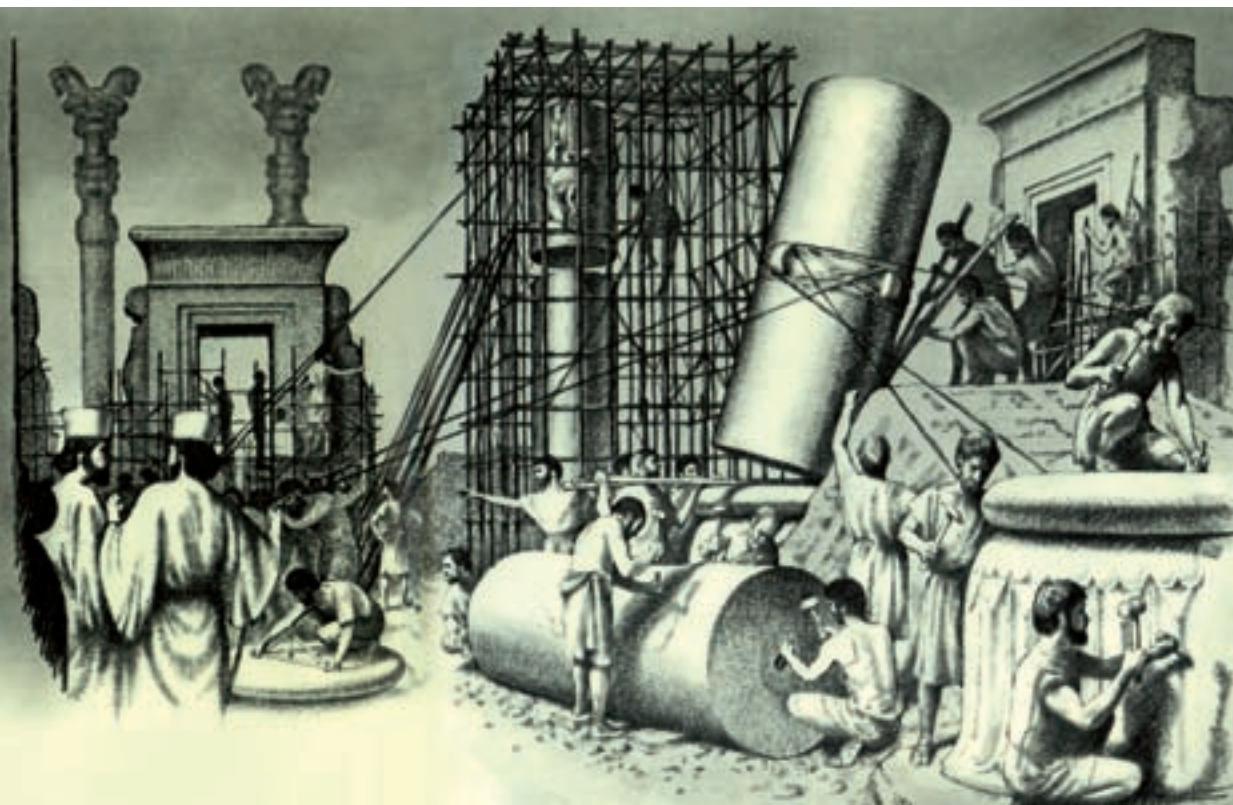
پادشاهی کورش

یکی از نوادگان هخامنش که به حکومت سرزمین پارس رسید، کورش نام داشت. کورش پارس‌ها را به قیام علیه مادها دعوت کرد و به جنگ آژی دهاک، پادشاه ماد رفت. پارس‌ها با او همراه شدند، تعدادی از بزرگان ماد نیز به او پیوستند. به همین دلیل کورش پیروز شد و حکومت مادها به پایان رسید.

او سپس شهر سارد، پایتخت لیدی و بابل را تصرف کرد. با تصرف این دو شهر بزرگ، قلمرو ایران بسیار وسیع شد. حکومتی که کورش به وجود آورد، به نام جدش، هخامنشی نامیده شد. سرانجام کورش در یکی از جنگ‌هایش در شمال شرقی ایران کشته شد.

رفتار و برخورد او با مردمان سرزمین‌هایی که فتح می‌کرد متفاوت با عملکرد سایر فاتحان بود، او نه تنها شهر و کشورهای فتح شده را ویران و غارت نمی‌کرد، بلکه ساکنان آن‌جا را مورد بخشش و حمایت قرار می‌داد. البته این رفتار او معرف خوی و خصلت ملتی بود که همواره به دین‌داری، اخلاق و معنویت شهرت داشته است. برخی از اندیشمندان مسلمان، کورش را همان ذوالقرنینی می‌دانند که در قرآن از او یاد شده است.

در دوره‌ی هخامنشیان بناهای بزرگی در ایران ساخته شد و چون در ساختن آن‌ها از سنگ به مقدار زیاد استفاده می‌شد، امروزه آثار این بناها به جا مانده است.



داستان بردیا

کورش دو پسر به نام‌های کمبوجیه و بردیا داشت. کمبوجیه پسر بزرگ‌تر، پس از پدرش به پادشاهی رسید و تصمیم گرفت کشور مصر را فتح کند. اما چون می‌ترسید که در زمان لشکرکشی او به مصر، برادرش بردیا درصدد رسیدن به پادشاهی برآید، دستور داد مخفیانه او را به قتل برسانند! پس از قتل بردیا، کمبوجیه به مصر رفت و آن سرزمین را تصرف کرد. در همین هنگام به او خبر رسید که بردیا در ایران به تخت نشسته است! او که از شنیدن این خبر بسیار متعجب و ناراحت شده بود، به سرعت به سوی ایران بازگشت، اما در بین راه درگذشت.

کسی که در ایران بر تخت نشسته بود، گئومات نام داشت که چهره‌اش شبیه بردیا (برادر کمبوجیه) بود او از مردم ماد بود و از طریق برادرش که نگهبان کاخ کمبوجیه بود، از راز قتل بردیا باخبر شد. پس به کاخ کمبوجیه رفت و خود را بردیا معرفی کرد. مردم نیز که از قتل بردیا خبر نداشتند، از او اطاعت کردند.



ظرف طلایی مربوط به دوره‌ی
هخامنشیان که در همدان کشف
شده است و در موزه‌ای در
نیویورک قرار دارد.^۱

۱- اشیاء و آثار باستانی زیادی از میراث فرهنگی ایران در سال‌های گذشته توسط استعمارگران از ایران ربوده شده و به موزه‌های آمریکا و اروپا انتقال داده شده است.

اوضاع اداری و همسایگان ایران در زمان هخامنشیان

داریوش هخامنشیان را بار دیگر قدرتمند می‌سازد

بر تخت نشستن گئومات برای مدتی قدرت را از دست هخامنشیان گرفت. اگرچه این مدت چندان طولانی نبود، اما حتی پس از قتل گئومات، شرایط بسیار خطرناکی برای هخامنشیان به وجود آمد. در سراسر قلمرو هخامنشیان، قیام‌های بزرگی علیه آنان رخ داد. داریوش نزدیک به سه سال به طور مداوم با شورشیان جنگید تا توانست همه‌ی آن‌ها را شکست دهد. او در کتیبه‌ی بیستون که از خود به یادگار گذاشته، چگونگی این جنگ‌ها و طرز مجازات



کتیبه‌ی بیستون و نقش‌های برجسته‌ی آن — دو نفر اول سمت چپ نگهبانان داریوش هستند. نفر سوم داریوش است و بقیه شورشیانی هستند که اسیر شده‌اند. در بالا و پایین این نقش‌ها نوشته‌هایی به خط میخی وجود دارد. هخامنشیان خط میخی را که علامت‌های آن به شکل میخ بود از ایلامی‌ها آموخته بودند. خط میخی همان خطی است که توسط سومریان اختراع و در دوره‌های بعد کامل شد.

دشمنان خود را شرح داده است.

قلمرو هخامنشیان چگونه اداره می‌شد؟

اگرچه داریوش توانست با سرکوب دشمنان، بار دیگر هخامنشیان را قدرتمند کند اما به خوبی می‌دانست که برای ادامه‌ی حکومت باید روش منظم و خاصی داشته باشد.

داریوش برای اداره‌ی کشور، بزرگان پارس را که با او در قتل گنومات همکاری کرده بودند، در رأس امور قرار داد. در آن زمان، جمعی از بزرگان کشور در دربار بودند و جمعی دیگر نیز به حکومت نواحی مختلف کشور منصوب شدند که به آن‌ها شهریان می‌گفتند. شهریان در حقیقت استاندار منطقه بود. یک فرمانده نظامی و یک کارمند نیز در کارها به شهریان کمک می‌کردند.

چون ممکن بود شهریان‌ها علیه شاه دست به شورش بزنند، داریوش مأمورانی را مخفیانه به منطقه‌ی حکومت آن‌ها می‌فرستاد تا اطلاعاتی کسب کنند. این مأموران اخبار خود را به وسیله‌ی چاپار به داریوش گزارش می‌دادند.

چاپار قاصدی بود که با استفاده از اسب‌های تندرو پیام‌ها و نامه‌ها را از جایی به جای دیگر می‌برد. در جاده‌ها محل‌هایی به نام چاپارخانه ساخته شده بود. مسئولان چاپارخانه‌ها برای سرعت‌دادن به کار چاپارها اسب‌های تازه‌نفس و غذا در اختیار آن‌ها می‌گذاشتند.



قلمرو هخامنشیان
در زمان کوروش

مناطق که در زمان کمبوجیه
به تصرف هخامنشیان درآمد

مناطق که داریوش بر
قلمرو هخامنشیان افزود



چاپارها با سرعت پیام‌ها را به نقاط دور دست می‌رساندند.

پایتخت‌های هخامنشیان

هخامنشیان برای این که به نقاط مهم قلمرو خود نزدیک‌تر باشند، چندین شهر را پایتخت خویش قرار داده بودند و در فصل‌های مختلف سال به آن شهرها می‌رفتند. یکی از پایتخت‌های هخامنشیان شهر هگمتانه بود که به آن اکباتان نیز گفته می‌شد. این شهر پایتخت تابستانی بود. پایتخت دیگر هخامنشیان شهر شوش بود که پایتخت زمستانی به‌شمار می‌رفت. تخت جمشید معروف‌ترین پایتخت هخامنشیان شامل مجموعه‌ای از کاخ‌های عظیم بود که هنوز ویرانه‌های آن باقی است. این بنا به دستور داریوش ساخته شد. برای ساختن تخت جمشید هنرمندان، صنعت‌گران و معمارانی از سراسر قلمرو هخامنشیان به خدمت گرفته شدند. در تخت جمشید که پایتخت بهاری بود هر ساله مراسم جشن نوروز برگزار می‌شد.



تخت جمشید از آثار مهم معماری ایران و جهان به شمار می آید. در تخت جمشید کاخ‌های عظیم سنگی ساخته شده بود. در روی بسیاری از این سنگ‌ها نقش‌هایی از سربازان، حیوانات و یا مردمی که برای پادشاه هخامنشی هدیه می آوردند، کنده‌کاری شده است. سعی کنید در آینده یک بار به دقت از تخت جمشید دیدن کنید.

هخامنشیان و یونانی‌ها

در زمان هخامنشیان، همسایه‌ی مهم در غرب ایران، یونان بود. هر کدام از شهرهای یونان یک حکومت داشت و مستقل از دیگر شهرها اداره می‌شد. دو شهر اسپارت و آتن از دیگر شهرهای یونان مشهورتر بودند. اسپارت مردمی جنگ‌جو داشت و پادشاهی مستبد بر آن حکومت می‌کرد ولی مردم آتن که بیشتر دریانورد و بازرگان بودند، حاکم شهر را از میان خود و از طریق انتخابات، تعیین می‌کردند. با وجود این، آتنی‌ها اسیران جنگی را به بردگی می‌گرفتند و از دست‌رنج آن‌ها استفاده می‌کردند. بین هخامنشیان و یونانی‌ها جنگ‌هایی رخ داد. در این جنگ‌ها، گاه ایرانیان و گاه یونانی‌ها پیروز می‌شدند. این جنگ‌ها موجب ضعف هر دو کشور شد.



پادشاهان هخامنشی دستور داده بودند برای آن‌ها مقبره‌هایی در دل سنگ به وجود آورند. در عکس بالا تعدادی از این مقبره‌ها را که در محلی به نام «نقش رستم» در نزدیکی تخت جمشید ساخته شده، می‌بینید. ارتفاع این مقبره‌ها از سطح زمین چندین متر است. به نظر شما علت این کار چه بود؟

پرسش و جست‌وجو

۱. جاهای خالی زیر را با کلمات مناسب کامل کنید :
الف) معروف‌ترین پایتخت هخامنشیان نام داشت.
ب) دو شهر مهم یونان اسپارت و نام داشت.
ج) استاندار منطقه همان بود که یک فرمانده نظامی و یک کارمند در کارها به او کمک می‌کردند.
۲. در کتیبه‌ی بیستون درباره‌ی چه موضوعاتی سخن گفته شده است؟
۳. دو وظیفه‌ی اصلی چاпарها در زمان هخامنشیان چه بود؟
۴. پایتخت‌های هخامنشیان را نام ببرید و زمان استفاده از هر یک از آن‌ها را ذکر کنید.

چرا هخامنشیان سرنگون شدند؟

ضعیف شدن حکومت هخامنشی

در حکومت هخامنشی همه‌ی کارها در دست پادشاه بود. قدرت بی‌اندازه‌ی پادشاه، شاهزادگان را هم به فکر کسب قدرت و رسیدن به پادشاهی می‌انداخت. به دنبال آن، شاه درصدد قتل شاهزادگان برمی‌آمد. در نتیجه توطئه در دربار زیاد شد و عده‌ای از شاهان و شاهزادگان هخامنشی به دلیل قدرت‌طلبی به قتل رسیدند.

پس از چندی، شاهان هخامنشی برای جلوگیری از شورش شاهزادگان از تربیت صحیح آن‌ها خودداری کردند و اغلب آن‌ها را در کاخ‌ها به دور از مردم و جامعه نگاه‌داشتند. در نتیجه، طولی نکشید که شاهان هخامنشی، به افرادی نالایق و ضعیف تبدیل شدند و کارها به دست درباریان افتاد.



نمونه‌هایی از لباس و اسلحه‌ی سربازان دوره‌ی هخامنشی

ضعف شاهان و آشفتگی حکومت سبب شد که شهریان‌ها نیز از اطاعت حکومت هخامنشی سر باز زنند و به میل خود بر مردم ستم کنند.

از سوی دیگر مردم بعضی از قسمت‌های قلمرو هخامنشیان مثل مصری‌ها، بابلی‌ها و یونانی‌ها که از پرداخت مالیات به حکومت هخامنشی ناراضی بودند، دست به شورش می‌زدند. این شورش‌ها موجب جدا شدن مناطقی مانند مصر از قلمرو هخامنشیان گردید.

حمله‌ی اسکندر مقدونی به ایران

درحالی که حکومت هخامنشیان روز به روز ناتوان‌تر می‌شد، برای این حکومت، دشمن خطرناکی در یونان به وجود آمد. این خطر از جانب شخصی به نام اسکندر از مردم مقدونیه (در شمال یونان) بود.

اسکندر پس از غلبه بر یونان، برای رسیدن به آرزوهای خود، دشمنی ایران با یونان را بهانه قرار داد و یونانی‌ها را برای حمله به ایران تحریک کرد. یونانی‌ها نیز برای انتقام‌جویی و به‌دست آوردن غنیمت، با او همراه شدند.

سرانجام، اسکندر به ایران حمله کرد و داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی را شکست داد. با وجود این مقاومت ایرانی‌ها در مقابل این بیگانگان تمام نشد. از جمله در این هنگام، یکی از فرماندهان شجاع ایرانی به نام آریوبرزن در فارس به همراه یارانش در برابر اسکندر ایستادگی کرد و عده‌ای از یونانیان را از بین برد اما به دلیل کمی تعداد سپاهیان سرانجام در صحنه‌ی نبرد کشته شد. اسکندر مصر را نیز فتح کرد؛ آن‌گاه به شمال شرقی ایران رفت و قسمتی از آسیای مرکزی و هندوستان را تصرف کرد. سپس به ایران بازگشت اما در اوج جوانی و کشورگشایی در بابل مرخص شد و درگذشت.

جانشینان اسکندر در ایران

پس از مرگ اسکندر، سردارانش قلمرو او را به سه قسمت یونان، مصر و ایران تقسیم کردند. ایران نصیب یکی از سرداران اسکندر به نام سلوکوس شد.

ایران از یونان و مصر مهم‌تر بود؛ زیرا هم بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر بود و هم میراث تمدن بزرگ هخامنشیان را در خود داشت.

سلوکوس و جانشینان او سلسله‌ی سلوکی را در ایران تشکیل دادند. تعداد سلوکیان و

یونانی‌های همراه آن‌ها زیاد نبود؛ به همین دلیل آن‌ها تصمیم گرفتند سیاست اسکندر را ادامه دهند. این سیاست، دوستی با افراد بانفوذ ایرانی بود.

سلوکیان شهرهایی را در ایران بنا نهادند که عده‌ای یونانی نیز در آن‌ها ساکن شدند. بیش‌ترین شهرها در مسیر جاده‌ی ابریشم قرار داشت. جاده‌ی ابریشم از چین آغاز می‌شد و بعد از گذشتن از آسیای مرکزی و شمال ایران، به دریای مدیترانه می‌رسید. ساکنان شهرهایی که در مسیر این جاده قرار داشتند، به تجارت مشغول بودند.

پرسش و جست‌وجو

۱. جاهای خالی زیر را با کلمات مناسب کامل کنید:
الف) پس از مرگ اسکندر ایران نصیب یکی از سرداران او به نام شد.
ب) فرمانده شجاع ایرانی به نام در فارس به همراه یارانش در برابر اسکندر ایستادگی کرد.
۲. چرا به تدریج افرادی نالایق و ضعیف در حکومت هخامنشی به پادشاهی رسیدند؟
۳. چرا در قلمرو اسکندر، ایران از یونان و مصر مهم‌تر بود؟
۴. جاده‌ی ابریشم چه بخش‌هایی از جهان را به هم پیوند می‌داد؟

اشکانیان بیگانگان را از ایران بیرون راندند

پارت‌ها و خاندان اشکانی

پارت‌ها یکی از گروه‌های آریایی بودند که در شمال شرقی ایران سکونت داشتند. شغل بیش‌تر آن‌ها دام‌داری بود. آن‌ها سوارکارانی چابک و تیراندازانی ماهر بودند. پارت‌ها به قبیله‌های متعددی تقسیم می‌شدند. رئیس یکی از قبایل پارتی آرَشک یا اشک نام داشت. او و خانواده‌اش در شرق دریای خزر زندگی می‌کردند. محل زندگی پارت‌ها برای دامداری و پرورش اسب مناسب بود. علاوه بر این، جاده‌ی ابریشم از کنار آن عبور می‌کرد. شهر صددر وازه، مهم‌ترین شهر سلوکیان هم در نزدیکی محل زندگی آن‌ها قرار داشت؛ به همین دلیل، سلوکیان تلاش می‌کردند پارت‌ها را از خود راضی نگه دارند.

قیام اَشک علیه سلوکیان

هشتاد سال پس از حمله‌ی اسکندر به ایران، میان سلوکیان اختلاف افتاد. گروهی از یونانی‌ها که در آسیای مرکزی ساکن بودند، از اطاعت حکومت سلوکیان سرپیچی کردند و حکومتی مستقل به وجود آوردند. سلوکیان درصدد برآمدند که این حکومت را سرنگون سازند؛ اشک با استفاده از اختلاف میان یونانی‌ها، سپاهیان سلوکی را شکست داد و قسمت‌هایی از ایران را از تصرف یونانی‌ها خارج کرد. او در بخش‌های آزاد شده‌ی خاک ایران حکومت اشکانیان را تأسیس کرد.

اشکانیان و خاندان‌های بزرگ ایرانی

جانشینان اشک را اشکانیان می‌گویند. خاندان‌های بزرگ ایرانی برای مبارزه با سلوکیان، به اشکانیان کمک کردند. این خانواده‌ها که ریاست قبایل بزرگ را به‌عهده داشتند، با سواران خود به اشکانیان کمک می‌کردند، البته با این شرط که هر سرزمینی که از تصرف یونانی‌ها خارج شود به این خاندان‌ها واگذار گردد و آن‌ها فرمانروای آن سرزمین‌ها باشند.

قلمرو حکومت اشکانیان



قلمرو و وسیع اشکانیان

پس از اشک دیگر پادشاهان اشکانی مبارزه با سلوکیان را ادامه دادند اما چون سلوکیان در برابر آنها مقاومت می کردند، این مبارزات بیش از صد سال طول کشید. سرانجام اشکانیان، توانستند سلوکیان را به طور کامل شکست دهند. فرهاد دوم (اشک هفتم) موفق شد پادشاه سلوکیان را به قتل برساند و مهرداد دوم (اشک نهم) قلمرو اشکانیان را بسیار وسعت داد. او برای جلوگیری از حمله ی رومیان، پایتخت خود را که در اوایل، شهر صد دروازه (در نزدیکی دامغان کنونی) بود، به شهر سلوکیه انتقال داد.



جنگجویان پارتی به خاطر سرعت و مهارت هایشان در جهان قدیم معروف بودند.

همسایگان ایران در زمان اشکانیان

در زمان اشکانیان، در قسمت شرق ایران، حکومت کوشانی تأسیس شد. کوشانی‌ها دین بودایی را پذیرفته بودند و آن را ترویج می‌کردند.

هنگامی که حکومت اشکانی در ایران تأسیس شد، در اروپا حکومت روم در حال توسعه‌ی قلمرو خود بود. رومی‌ها پس از تصرف بیش‌تر قسمت‌های اروپا، به خاک آسیا قدم گذاشتند و پس از تسخیر سوریه، فلسطین و ترکیه‌ی امروزی، با اشکانیان همسایه شدند.

رومی‌ها پادشاه خود را امپراتور می‌نامیدند. امپراتوران روم درصدد پیشروی در خاک ایران بودند. به همین دلیل، میان آن‌ها و اشکانیان جنگ‌های خونینی در گرفت که سال‌ها طول کشید.

در بیش‌تر این جنگ‌ها رومی‌ها شکست می‌خوردند؛ زیرا سواران پارتی آن‌ها را به داخل خاک ایران می‌کشاندند و سپس با حملاتی برق‌آسا و کوبنده نابودشان می‌کردند؛ مثلاً در یکی از جنگ‌ها کراسوس، سردار رومی، که می‌خواست به تقلید از اسکندر ایران و هند را فتح کند، از سورنا، سردار ایرانی، شکست خورد و خود و اغلب سربازانش کشته شدند.

در چنین شرایطی، حضرت عیسی (ع) برای هدایت انسان‌ها در فلسطین که تحت حکومت رومیان بود، ظهور کرد.



حضرت عیسی (ع) مردم را به خداپرستی و مبارزه با ظلم دعوت می‌کرد.

حضرت عیسی(ع) با بیانی دل‌نشین و اخلاقی نیکو مردم را به پرستش خدای یگانه و پرهیز از ستم دعوت می‌کرد. او طرفدار محرومان و ستمدیدگان بود و خداوند به او قدرتی داده بود که می‌توانست بیماران را شفا دهد. تعالیم حضرت عیسی(ع) رومیانی را که به پرستش خدایان متعدد و ظلم و ستم بر مردم و بردگان عادت کرده بودند، خشمگین کرد. با این همه آن حضرت با سفر به شهرها و روستاها هم‌چنان به دعوت مردم به یکتاپرستی و کارهای نیک ادامه می‌داد. دوازده نفر از یاران حضرت عیسی(ع) که او را در این کار یاری می‌دادند، به حواریون مشهور شدند. حواریون بعدها سخنان آن حضرت را گردآوری کردند و انجیل نامیدند. با گذشت زمان بر پیروان حضرت عیسی(ع) که مسیحی خوانده می‌شدند، افزوده شد. امپراتوران و بزرگان رومی که ابتدا به آزار و اذیت مسیحیان می‌پرداختند، سرانجام با دیدن این وضع خود نیز مسیحی شدند. از آن پس زمینه برای گسترش بیش‌تر مسیحیت فراهم شد.

پرسش و جست‌وجو

۱. جاهای خالی زیر را با کلمات مناسب کامل کنید :
 - (الف) در زمان اشکانیان در قسمت شرق ایران حکومت تأسیس شد.
 - (ب) رومی‌ها پادشاه خود را می‌نامیدند.
 - (ج) مهرداد دوم برای جلوگیری از حمله‌های رومیان پایتخت خود را از به شهر سلوکیه انتقال داد.
۲. رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به یک‌دیگر وصل نمایید.

اشک	به قتل رسانیدن پادشاه سلوکیان
فرهاد دوم	وسعت بخشیدن به قلمرو اشکانیان
مهرداد دوم	تأسیس حکومت اشکانی
	جنگ با کراسوس سردار رومی
۳. در مورد نقش خاندان‌های بزرگ ایرانی در به حکومت رسیدن اشکانیان چه می‌دانید؟
۴. چرا رومی‌ها در بیش‌تر جنگ‌ها از اشکانیان شکست می‌خوردند؟
۵. نقشه‌ی صفحه‌ی ۵۴ را با نقشه‌ی صفحه‌ی ۴۶ مقایسه کنید و بگویید قلمرو ایران در زمان اشکانیان با زمان هخامنشیان چه تفاوت‌هایی دارد؟